



### آینده ادیان

گفت‌وگو با: نینیان اسمارت / سیدامیرحسین اصغری

جام جم، ش ۲۳۱۶، ۱۳۸۷/۸/۹



**چکیده:** این نوشتار مصاحبه‌ای با نینیان اسمارت است که پنج دهه از عمر خود را صرف مباحث گوناگون پیرامون دین و مذهب کرده است و حدود سی کتاب در این زمینه تألیف نموده است. تمام مصاحبه در دفاع و ترویج اندیشه پلورالیسم دینی است. وی معتقد است جامعه جهانی، در سمت حرکت به پذیرش ادیان متفاوت است که همه در آینده نزدیک یکدیگر را به رسمیت شناخته و با تفاهم و احترام به همدیگر خواهند زیست.

○ آیا مطالعه تطبیقی ادیان می‌تواند دینی نسبی بسازد، آیا این گزاره می‌تواند صادق باشد؟  
● بررسی و تشریح ادیان مختلف جهان مطمئناً می‌تواند نگاه بیرونی شما را تغییر دهد و نگاه‌های تعصب‌آمیز موجود در سنت‌های دینی را به کناری بزند، اما از سوی دیگر، ممکن است تجربه دینی شما را گسترش دهد و در نهایت به شخصیت فرد بستگی دارد.

○ شما امروزه دین خود را چگونه توصیف می‌کنید؟

● اغلب می‌گویم بودیست - اسقفی هستم. معمولاً این طور می‌گویم تا مردم را اذیت کنم.

○ منظورتان چیست؟

● دوست دارم مردمی را که گمان می‌کنند تمام حقیقت تنها در یک دین جمع است، اذیت کنم. گمان می‌کنم دیوانگی است، اگر فکر کنیم که در سنت‌ها و تمدن‌های دیگر چیزی برای فراگیری وجود ندارد. اگر موافق باشید که ادیان دیگر چیزی دارند که شما می‌توانید از آنها

فراگیرید، در نهایت این گونه می شوید: یک بودیست - اسقفی یا یک هندوی مسلمان یا هر چیز دیگر.

○ بودیسم چگونه باورهای مسیحی شما را تکمیل کرد؟

● گمان می کنم اخلاق بودیستی به طرقي روشن تر و نظام مندتر است. تصور بودیست این است که مشکلات اصلی ما از نفرت و وهم است. مزیت هایی در تفکر هست که البته گمان می کنم شما هم می توانید چیزهایی از بودیسم را فراگیرید. در این صورت، بودیسم مکمل مسیحیت می شود. چیزهایی به آن می افزاید.

○ شاید به همین دلیل است که امروزه بسیاری از آمریکایی ها به بودیسم گرایش می یابند.

● گمان می کنم جذابیت بودیسم در آن است که بودا دینی بسیار عمل گراست و روش هایی چون مدیتیشن (تفکر) دارد. البته حقایق جنبی بیشتری هست، به این معنی که بودیسم سخنگویان بسیار خوبی (دالایی لاما) دارد که تأثیر فراوان و نسبتاً صحیحی داشته است.

○ دالایی لاما، درباره ضرورت درک متقابل ادیان بسیار سخن گفته است. آیا هیچ نشانه ای از پیشرفت در آن ساحت می بینید؟

● مطمئناً فهم متقابل نقش فوق العاده ای در پنجاه سال گذشته داشته است. حتی اگر در ابتدا به صورت تحصیلات دینی و گفت و گوی درون دینی و مسائلی مانند آن بود.

○ برخی منتقدان احساس می کنند گفت و گوهای درون دینی ترجیحاً نیم بند و بیشتر حالت گفت و گوی مؤدبانه را دارد.

● بخشی از این سخن درست است. من خیلی برای گفت و گو نمی روم. مردم می گویند گفت و گو صرفاً بحث است؛ اما اولاً گفت و گو چه اشکالی دارد؟ در غیر این صورت پس چه باید کرد؟ آیا باید با هم جنگید؟ ثانیاً چه کسی تعیین می کند که چه چیزی نیم بند است؟ فرض کنید من بگویم: «به جهنم اعتقادی ندارم» یک نفر برگردد و بگوید که شخصیت تو نیم بند است، چرا که اعتقادی به جهنم نداری. آیا در چنین صورتی، گمان می رود که به جهنم معتقد شوم و از شخصیت نیم بند خود برهم؟

○ در کتاب شما قطعه چشمگیری به نام انتخاب ایمان «choosing faith» هست که در آن شما بسیاری از یورپاها و آفریقای غربی در لس آنجلس، سیک ها در بیرمنگام انگلستان، مورمون ها در جزایر فیجی، هندوها در جنوب آفریقا و کنفوسیوسی ها در برکلی کالیفرنیا را توصیف کرده اید. این سنت های متفاوت در آینده چگونه خواهند بود؟

● نه تنها در آینده که آنها اکنون نیز وجود دارند. با وجود درگیری‌هایی که در بوسنی یا سریلانکا دیدیم، با همدیگر به نحو مسالمت‌آمیز هم جمع می‌شوند. بخشی از این مساله به دلیل مهاجرت‌های صلح‌آمیز است. به طور مثال، پزشکان زیادی از آسیا به انگلستان یا آمریکا می‌روند تا به طبابت بپردازند، گرچه بسیاری از آنها نتیجه مهاجرت غیر صلح‌آمیزند. جنگ جهانی دوم موجب این شد که ۳۰۰ هزار لهستانی در انگلستان باقی بمانند. ما هیچ‌گاه تاکنون چنین جمعیت ترکیب شده‌ای را که امروز داریم، نداشته‌ایم. در دنیای امروز، هیچ شهر بزرگی نیست (شاید جز ژاپن و یکی دو شهر در جاهای دیگر) که در آن هر نوع افرادی دیده نشوند.

### ○ سرنوشت ادیان در دهکده جهانی چگونه خواهد بود؟

● یکی از نتایج این مهاجرت‌ها، ظهور صورت‌های جدیدی از ادیان است. و دیگر از نتایج همزیستی ادیان، تبادل آرا از یکی به دیگری است.

### ○ آیا شما از رشد بنیادگرایی نگران نیستید؟

● بسته به آن است که شما قائل به کدام نوع آن هستید. من بنیادگرایی در اروپا و آمریکا را به عنوان مشکل حاد نمی‌دانم. نسل جوان‌تر رو به راه دیگری می‌گذارد. بنابراین بنیادگرها همواره باید برای بقای خودشان، در حال یارگیری باشند.

### ○ آیا گمان می‌کنید که توسعه دموکراسی در جهان امروز، می‌تواند دریاورهای مردم تأثیرگذار باشد؟

● چنین می‌اندیشم. خصوصاً برای آن که این مساله معیارهای باور را در هر مسیری از بین می‌برد. مردم در راه‌هایی به اندیشه‌ها و روش‌های انجام کارها دست می‌یابند که قبلاً هرگز در آن نبوده‌اند. آزادی‌های جدید دارند. پاپ مزایای زیادی دارد، اما شاید او کاملاً مفهوم دموکراسی را درک نمی‌کند. ساده‌تر این که، امروز کسی از کمونیسم پیشین نمی‌ترسد. اگر مردم تصمیم بگیرند که دیگر کاتولیک نباشند و به کلیسای اسقفی بپیوندند یا هندو شوند، آن کار را می‌کنند. کلیساها دیگر آن قدرت را ندارند که پیروانشان را چک کنند. آنها مجبور به پذیرش این مساله هستند.

بازتاب اندیشه ۱۰۲

۱۲  
آینده  
ادیان

### ○ قبلاً این گونه بوده است که برای انتخاب دین، ادیان مختلف را بررسی و یکی را انتخاب می‌کردند، فکر می‌کنید شهروند جهان جدید چگونه دینش را انتخاب کند؟

● دین بسته به ارزش‌هایی است که مردم برای قضاوت می‌آفرینند. به این معنا که اگر شما جذب ایمان عرفانی شوید که هیات عقلانی را درگیر می‌کند، بودیسم احتمالاً در این باب

منطقی باشد، اما همه کس عارف بودایی نیستند. در حقیقت، افراد بسیار کمی واقعاً در این مقامند. در نوع دیگر دین، کسی که عمل‌گراتر است، به آیین دیگری می‌پیوندد. گمان می‌کنم ارزش‌های درونی افراد در اینجا به کار می‌آیند.

○ برخی دین‌پژوهان چون هوستون اسمیت، به وجود یک عقل مرکزی در قلب ادیان بزرگ جهان، معتقدند، آیا شما با این عقیده موافقید؟

● نه! زیرا فکر نمی‌کنم که این عقل مرکزی را بتوان نشان داد یا شناخت. به‌طور قطع باور دارم عرفان تمام ادیان، فقط تا حدودی شبیه هم هستند، اما این تنها مرکز نیست. در هر حال، چرا آنها باید مرکز داشته باشند؟ آیا اگر مرکز نداشته باشند، جذاب‌تر نیستند؟ یا اگر مراکز متعددی داشته باشند؟

○ احتمالاً ما به سوی زمانی پیش می‌رویم که در آن یک دین بر مبنای متشکل از ادیان مختلف دیگر پدید آمده باشد.

● گمان نمی‌کنم ادیان برای ایجاد یک دین جهانی در هم ادغام شوند، اما باور دارم ما به سمت یک ایدئولوژی جهانی می‌رویم که در خود، جایی برای ادیان و مشخصه‌های سنتی گوناگون دارد. خوشبختانه این ایدئولوژی منظری گسترده دارد که در آن می‌توان ارزش‌های انسانی و معنویت را گسترش داد. دوست دارم تفاهم‌نامه‌ای را ببینم که در آن تأکید شده باشد که همه ما، روی یک سیاره زندگی می‌کنیم و فصل‌های مشترکی از علاقه‌مندی‌ها داریم که باید جهانی شوند و همه ادیان به آنها احترام بگذارند.

تسامح یکی از مهم‌ترین سازه‌های مسیحیت از دوران اولیه بوده است (برخلاف مسائل دیگر که به مرور زمان از بین رفته‌اند) که به گمان من باید عمق جهانی یابد. تسامح به چیزی بیش از قول نیاز دارد. یاد گرفتن از ادیان دیگر، امری است که شهروندان جهان آینده باید آن را بدانند.

## ● اشاره

حسین قاسمی

بازتاب اندیشه ۱۰۴

۱۵

آینده  
ادیان

این مقاله در نکات ذیل قابل بحث و بررسی است:

۱. از متن گفت‌وگو بسیار روشن است که، نینیان اسمارت، از طرفداران جدی پلورالیسم دینی است. او از قبول و اعتماد به پلورالیسم دینی فراتر رفت و عملاً هم این اندیشه را تبلیغ می‌کند تا آنجا که برای شکستن باور به حقانیت یک دین، دیگران را مورد تمسخر قرار داده و خود را پیرو دینی غیر از آنچه قبول دارد معرفی کرده، تا نشان دهد واقعاً ادیان دیگر را به رسمیت شناخته و آنها را بهره‌مند از حقانیت می‌داند.

۲. او دلیل طرفداری خود را از اندیشه پلورالیسم دینی، بهره‌مند بودن همه ادیان و مکاتب از حقیقت می‌داند و می‌گوید: دیوانگی است که بگوییم در سنت‌ها و تمدن‌های دیگر چیزی برای فراگیری ما نیست.

از اندیشمندی مانند او این استدلال ضعیف تعجب‌آور است، زیرا صرف دارا بودن حقیقت و داشتن چیزی برای فراگیری که سبب حجیت و صحت دین و آئین نمی‌شود. شما در هر عقیده و آئین باطل هم شاید، امور هر چند اندک قابل پذیرشی پیدا کنید؛ پیدا شدن امور دارای حقیقت هر چند جزئی و اندک، موجب صحت و اعتبار یک آئین و مکتب نمی‌شود!

۳. ایشان در گفت‌وگوی خود نشان داده است که صرف بهره‌مندی از جذابیت و قابلیت استفاده برای پذیرش دین اکتفا می‌کند و اگر چه احتمال دهد و بلکه باور داشته باشد دین دیگر دارای بهره‌مندی بیشتر و کامل‌تر از حقیقت است، لذا می‌گوید: من خود اگر چه مسیحی هستم، اما گمان می‌کنم اخلاق بودیستی به طرقتی روشن‌تر و نظام‌مندتر است. باید به ایشان گفت: اگر دینی کامل‌تر از دین شما است، چطور و به چه دلیل قابل قبولی پیروی از این ناقص‌تر را جایز می‌شمارید؟ ایشان توجیه می‌کند که: بودیسم می‌تواند مکمل مسیحیت شود. خوب روشن است که اگر از ابتدا به دین‌های نیم‌بند و غیر کامل اکتفا شود، باید آنها را با نیم‌بندهای دیگر ترمیم کرد؛ اگر ترمیم تام و کامل رخ دهد. گذشته از وقتی که آموزه‌های مسیحیت و بودیسم در مسأله‌ای ناسازگارند، از کدامین آموزه تعیبت می‌کنید؟

۴. ایشان در تبلیغ نهایی از پلورالیسم دینی و جامعه پلورالیستیک پیشنهاد می‌کنند، اندیشمندان و دین‌داران به دنبال دستیابی به یک دین متشکل از ادیان مختلف نروند و می‌گوید: گمان نمی‌کنم ادیان برای ایجاد یک دین جهانی در هم ادغام شوند، بلکه همه جهانیان به این رویکرد فکری می‌رسند که همه برای ادیان گوناگون احترام قائل باشند و در یاد گرفتن از ادیان دیگر، تسامح داشته باشند. ای کاش ایشان حداقل یک استدلال کوچکی می‌آوردند که چرا جهانیان نباید دنبال دین جهانی واحد باشند؟ مگر چه می‌شود این بهره‌مندی‌های از حقیقت جزئی و ناقص جمع شده و دین نسبتاً کاملی را ارائه کنند؟ به نظر می‌رسد ایشان از چیزی می‌گریزد که اگر می‌پذیرفت باید اصل اندیشه پلورالیسم دین را از دست می‌داد و آن امکان دستیابی و وجود دین کامل و بدون عیب و نقص است.

۵. با آن‌که ایشان متفکر پنجاه ساله در ادیان معرفی شده است، اما متأسفانه ظاهراً کمترین آشنایی با ادیان بزرگ جهانی مانند اسلام ندارد؛ زیرا می‌گوید: بعضی ادیان جاذبه‌های عرفانی دارند، همراه با هیأت عقلانی؛ مانند بودیسم و بعضی صرفاً عمل‌گرا هستند و افراد با توجه به گرایش‌های درونی‌شان به هر یک متمایل می‌شوند؛ در حالی که اسلام جامع مباحث فکری و عملی است و از سویی ناب‌ترین معارف عرفانی را داراست.